

بانکداری اسلامی کجاست؟

اما یکی دیگر از بحث‌های مطرح آن است که احکام متناسب با پول اعتباری برای نظام بانکی ما تصویب نشده است. آنچه امروز مطرح است، در رابطه با احکامی است که برای حفظ ارزش پول اعتباری و بحث قرض‌الحسنه وجود داشته است. با وجود این که بعضی از علما در رابطه با موضوع قرض‌الحسنه احکامی را صادر کرده‌اند، اما این احکام صادره به صورت احکام پولی و مالی در سیستم بانکی کشور ما لحاظ نشده‌اند. حدود ۲۷ سال از تصویب قانون بانکداری بدون ربا در کشور می‌گذرد. در حال حاضر نیاز است که در مراحل بعدی قانون هدفمندی یارانه‌ها، کمیوهای نظام بانکی بدون ربا برطرف شوند و شرایط برای اجرای احکام این قانون مساعد گردد. البته اشکالاتی هم به قانون وارد است. مثلاً در قانون بانکداری بدون ربا، از احکام بازار سرمایه استفاده شده است، در حالی که تضادهایی بین بازار سرمایه و بازار پول وجود دارد. در بازار سرمایه، اصل بر اعتماد و شناخت افراد از یکدیگر است، اما در بازار پول، اصل بر عدم اعتماد و عدم شناخت افراد نسبت به یکدیگر است. به علاوه، عقود اسلامی که در قانون بانکداری بدون ربا استفاده شده‌اند، با ماهیت بانکداری تطابق ندارند. در رابطه با اشکالات موجود در سیستم بانکی کشور، موارد دیگری هم وجود دارند که تعمیق و گسترش مباحث آنها نیازمند بحث و بررسی در نشست‌های بیشتر و استفاده از نظرات اقتصاددانان خبره است. مسأله‌ای همچون بحث توان نظارتی بانک مرکزی یکی دیگر از این مسایلی است که نظام بانکی ایران از این نظر با ضعف جدی مواجه است. مشکل دخالت سازمان‌های غیرمتخصص و در عین حال ذینفع در سیاست‌گذاری‌های پولی موضوع مهم دیگری است که نیازمند بررسی دقیق‌تر در آینده می‌باشد. ■

می‌دهد، سپرده‌گذاری بانک مرکزی در بانک‌های دولتی است. این اقدام با این توجیه صورت می‌گیرد که باید منابع بانک مرکزی در داخل کشور، برای طرح‌های زیربنایی استفاده شوند. ولی حداقل اثر این سپرده‌گذاری‌ها، عدم قبول منابع و مصارف برای نظام بانکی است.

هیاهوی مدیریت و سودهای بانکی

بحث دیگری که وجود دارد عدم اجماع در خصوص لزوم وجود مدیریت متخصص در سیستم بانکی است که یکی از جلوه‌های این پدیده، مسأله تأیید صلاحیت مدیران بانک‌ها است. در واقع، هم وزارت اقتصاد و هم بانک مرکزی در این مورد عملکرد دقیقی نداشته‌اند. وزارت اقتصاد از عدم تأیید صلاحیت مدیران بانک‌ها توسط بانک مرکزی صحبت می‌کند و بانک مرکزی لیست اسامی مدیران بانکی که صلاحیت تخصصی را ندارند منتشر می‌کند. این مسأله آثار منفی در جامعه دارد و در واقع، اصل و ریشه موضوع که همان صلاحیت تخصصی مدیران بانک‌ها است، همچنان بین دولت و دستگاه‌های مربوطه (بانک مرکزی) پذیرفته شده نیست.

بحث دیگر، عدم وجود یک سیاست جامع در تعیین سود بانکی است. زمانی سود بانکی از مجموع نرخ تورم و یک تا دو درصد سود برای جبران هزینه‌های بانک‌ها در نظر گرفته می‌شد. اما در حال حاضر، بر اساس محاسبات بانک مرکزی، اگر چه نرخ سود بانکی ۸ درصد اعلام می‌شود، اما بسیاری از بانک‌ها نرخ‌های سود ۱۸، ۲۰، ۲۶ و ۳۰ درصد را برای تسهیلات خود در نظر گرفته‌اند. به عبارتی، یک سیاست واحد در خصوص اجرا و اعمال نرخ سود در نظام بانکی کشور وجود ندارد.

بحران اقتصادی و هزینه‌های دفاعی فرانسه و بریتانیا

اقتصاد و اسلحه

نگاه Christian Science Monitor و مؤسسه Rand به تغییرات محتمل در دو سوی آتلانتیک

بحران اقتصادی جهان بسیاری از متحدان اروپایی آمریکا را مجبور کرده که هزینه‌های دفاعی و تجهیزات نظامی خود را به شدت کاهش دهند. این مسأله می‌تواند



بر همکاری‌های دفاعی آمریکا و اروپا - به ویژه با بریتانیا و فرانسه - اثرات قابل توجهی داشته باشد، چرا که این دو متحد آمریکا، در نمایش قدرت غرب بیشترین ظرفیت را از خود نشان داده‌اند. هر دو کشور، اکنون برای مدرن سازی تجهیزات دفاع هسته‌ای و حتی غیرهسته‌ای خود با دو راهی‌های زیادی روبه‌رو هستند.

شرایط برای بریتانیا، به طور خاص بحرانی‌تر است. مقامات دفاعی این کشور در بخشی از تلاش دولت برای کاهش بدهی‌های خود، اعلام کرده‌اند قرار است بودجه دفاعی در مدت ۵ سال آینده به میزان ۱۰ تا ۲۰ درصد کاهش یابد. البته آمارها مبین آن هستند که هزینه‌های نظامی بریتانیا در سال ۲۰۰۹ در مقایسه با سال ۲۰۰۰ با ۲۸ درصد رشد (رقمی در حدود ۱۵ میلیارد دلار) مواجه بوده است. این نرخ در رابطه با فرانسه با رقمی در حدود ۵ میلیارد دلار، افزایشی

علیرغم آن که کشورهای غربی مدت‌هاست ایران را به اتهام اثبات نشده دستیابی به سلاح هسته‌ای و حمایت از تروریسم تحت فشار و تحریم قرار داده‌اند، اما خودشان برای تولید و گسترش تجهیزات نظامی پیشرفته و سلاح‌های هسته‌ای با یکدیگر رقابت می‌کنند. این مسأله در حالی اتفاق می‌افتد که بر اساس معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی (NPT)، تمام کشورهای عضو این پیمان از استفاده غیرصلح آمیز از انرژی هسته‌ای منع شده‌اند. با این حال، نه تنها شاهد کاهش تجهیزات مخرب و کلاهک‌های اتمی در جهان نیستیم، بلکه شواهد از گسترش روز افزون این سلاح‌ها حکایت می‌کنند.

هزینه‌های نظامی و دفاعی جهان در سال ۲۰۰۹ رقمی در حدود ۱/۵۳ تریلیون دلار تخمین زده می‌شوند. این رقم، رشدی ۴۹ درصدی را نسبت به سال ۲۰۰۰ میلادی نشان می‌دهد. رقم مذکور که در حدود ۲/۷ درصد کل محصول ناخالص داخلی (GDP) جهان است، در حدود ۲۲۵ دلار هزینه سرانه را حکایت می‌کند. در این بین، ایالات متحد آمریکا با در اختیار داشتن رقمی در حدود ۴۶/۵ درصد کل هزینه‌های نظامی جهان، سردمدار کشورهای دنیا است. چین با ۶/۶ درصد، فرانسه با ۴/۲ درصد، بریتانیا با ۳/۸ درصد و روسیه با ۳/۵ درصد در جایگاه‌های دوم تا پنجم قرار دارند. در این بین، نکته حایز اهمیت آن است که

محدود کنند. این مسأله در راستای جلوگیری از گسترش سلاح هسته‌ای در خاورمیانه مطرح شد. به همین منظور، بریتانیا می‌توانست بر تعداد محدودتری از تجهیزات هسته‌ای (تقریباً یکصد سلاح وابسته به نسل جدید موشک‌های کروز دوربرد) سرمایه‌گذاری کند. با وجودی که تهیه و تدارک موشک‌های کروز جدید در کوتاه مدت، صرفه‌جویی مالی قابل توجهی به حساب نمی‌آید، اما این موشک‌ها در بلند مدت از نظر مالی و استراتژیکی می‌توانند تجهیزات دفاعی بادوامی محسوب شوند.

فرانسه، کپی بریتانیا

علاوه بر بریتانیا، فرانسه طی دو دهه آینده تقریباً با موقعیت مشابهی روبه‌رو خواهد شد. این کشور، برخلاف بریتانیا دو سیستم حمله هسته‌ای هوایی و دریایی را اداره می‌کند. فرانسه با برنامه دفاع هسته‌ای متفاوت خود می‌تواند منابع مالی قابل توجهی ذخیره کرده و بدین ترتیب، تجهیزات غیرهسته‌ای خود را نو سازی کند. برخی گزارش‌ها حاکی از آنند که بریتانیا قصد دارد نیروهای ارتش یکصد هزار نفری خود را به ۲۰ تا ۲۵ هزار نفر کاهش دهد.

چنین کاهش‌های قابل توجهی، به احتمال زیاد بریتانیا را برای قشون کشی‌های فرامرزی دلسرد خواهد کرد و سؤالات مهمی را به وجود خواهد آورد. سؤالاتی در مورد این که آیا آمریکا می‌تواند در آینده روی حمایت‌های سیاسی و نظامی جدی بریتانیا هنگام بحران‌هایی که همکاری‌های دفاعی دو کشور را در گذشته شکل داده حساب کند؟ در واقع، روابط ویژه بریتانیا با آمریکا - که این روزها در حال افول است - در آینده کم‌رنگ‌تر و بی‌بهره از پایه‌های نظامی خواهد شد. به طور مشابه، توانایی فرانسه به عنوان متحد نظامی قابل اطمینان آمریکا، به دلیل کاهش قدرت غیرهسته‌ای آن به خطر می‌افتد.

اگر متحدان آمریکا برای مدرن سازی تجهیزات نظامی خود با واشنگتن هماهنگ نشوند، امنیت در اطراف اقیانوس اطلس با نگرش‌های ژئو استراتژیک نامطمئنی روبه‌رو خواهد شد. ■

در حدود ۳۰ درصد را گزارش می‌کند. در این بین، نخست وزیر بریتانیا، همانند دولت قبلی همچنان به نگهداری زیر دریایی‌های استراتژیک هسته‌ای به عنوان عامل بازدارنده دفاعی در دریا متعهد است. این امر، مستلزم حفظ حداقل یک زیر دریایی استراتژیک مجهز به موشک بالستیک در همه اوقات و باز سازی و نو سازی چهار زیر دریایی هسته‌ای موسوم به ترایلدنت است. بریتانیا برخلاف دیگر اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل، یک نوع سامانه حمل سلاح هسته‌ای (دریایی) در اختیار دارد. این سامانه شامل ۴ زیر دریایی مجهز به ۱۶ موشک ترایلدنت است که هر کدام بیش از ۸ کلاهک تقسیم شونده (MIRV) را حمل می‌کنند.

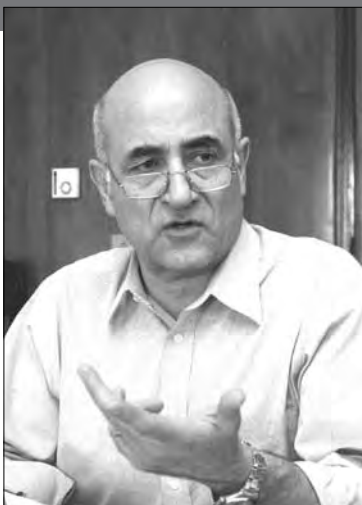
امنیت غیرپادگانی

در گزارشی که در مورد "آینده منع سلاح‌های هسته‌ای بریتانیا" در سال ۲۰۰۶ از سوی دولت این کشور منتشر شد، هزینه کل جایگزینی این چهار زیر دریایی هسته‌ای ۲۳ تا ۳۱ میلیارد دلار ارزیابی شده است. چنین هزینه‌هایی طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۷ به شدت کاهش خواهند یافت و انتظار می‌رود تقریباً معادل ۹ درصد بودجه سرمایه‌های دفاعی فعلی باشند.

وزیر دارایی بریتانیا اخیراً عنوان کرده است که هزینه‌های جایگزینی ناوگان زیر دریایی‌های هسته‌ای از بودجه وزارت دفاع این کشور تأمین خواهند شد. در گذشته، بودجه باز سازی و نو سازی این زیر دریایی‌ها، خارج از وزارت دفاع تأمین می‌شد. به حساب آوردن این هزینه‌ها در بودجه وزارت دفاع، توانایی بریتانیا را در مدرن سازی تجهیزات غیراتمی و نمایش قدرتی تأثیر گذار، محدود خواهد کرد.

بریتانیا برنامه‌های دفاعی خود را بر اساس این فرضیه تنظیم می‌کند که باید قابلیت بالایی در نشان دادن عکس‌العمل متقابل در مقابل هر گونه حمله ناگهانی از سوی روسیه داشته باشد. به هر حال، از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییراتی که متعاقب آن پس از جنگ سرد در محیط استراتژیک به وجود آمد، بریتانیا و فرانسه مجبور شدند فعالیت‌های دفاع هسته‌ای خود را

بحران غرب و نظام بانکی



بانکداری در کلاس جهانی

سخنرانی دکتر پرویز عقیلی کرمانی، مؤسس ماهنامه «اقتصاد ایران» و بانک کارآفرین و عضو شورای سیاست‌گذاری ماهنامه، در جلسه ماهانه انجمن اقتصاددانان

علیرغم همه سخت‌گیری‌ها و کنترل‌هایی که در اروپا و آمریکا بر بانک‌ها صورت می‌گیرد، دیدیم که نظام بانکی در غرب بحران مالی بی‌سابقه‌ای را رقم زد که ناشی از فعالیت نادرست آن بود.

بحران جهانی و اقداماتی که در سیستم بانکی ایالات متحد صورت گرفت، می‌تواند به عنوان الگویی برای ما به حساب آید که قطعاً عمل به آن به نفع کشورمان خواهد بود. این گونه اقدامات منحصر به آمریکا نیست و اخیراً اتحادیه اروپا اقداماتی را آغاز کرده که احتمالاً مشابه سیستم آمریکایی آن خواهد بود. در زمینه مشکلات پیش آمده در اقتصاد دنیا، اگر کمی به عقب برگردیم، نرخ بهره در دهه ۱۹۸۰ طی ۶۰ یا ۷۰ سال اخیر به بالاترین سطح خود رسید، به طوری که نرخ بهره بین بانکی تا حدود ۲۰ درصد افزایش یافت. در این خصوص، با اقدامات مناسبی که پل و لکسر، رییس وقت بانک مرکزی آمریکا و مشاور فعلی اوایاما، در آن زمان انجام داد، نرخ

بهره از سال ۱۹۸۲ با روندی نزولی، به رقم ۰/۱ درصد در سال ۲۰۰۳ رسید که طی مدتی با کمی افزایش، در ۵ درصد تثبیت شد. از ابتدای ۲۰۰۸ و تنها در فاصله حدود ۲۰ ماه این نرخ به رقمی بین صفر تا ۰/۲۵ درصد رسیده است.

به طور متوسط از دهه ۹۰ نرخ بهره هیچ‌گاه از نرخ ۵ یا ۶ درصد عدول نکرده و به همین دلیل، بانک‌های سرمایه‌گذاری در آمریکا به دنبال این مسأله بودند تا به نوعی بازدهی را برای سرمایه‌گذاری بالا ببرند. در این راستا، مسأله سوآپ بهره به وجود آمد که بانک Bankers Trust مبلغ آن بود. عملکرد موفق این بانک در آن زمان، باعث شد حتی سوآپ ارز هم پیش بیاید، اما دیری نپایید که همین بانک